

*Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,*  
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)  
Monthly Journal, Vol. 22, No. 9, Autumn 2022, 215-238  
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.35448.2182

## **A Critical Review on the Book "*Prisoners of Geography*"**

### **Ten Maps That Tell You Everything You Need to Know About Global Politics**

Armina Arm\*

#### **Abstract**

Geography has a very important impact on the fate of countries. Land and natural resources can endanger and threaten human beings just as they can bring security and prosperity. Although modern technology has made it possible to control geographical laws to some extent, it is still important in understanding why countries behave. The main focus of the book "*prisoners of Geography*" is the importance of geopolitics in studying international issues and crises. The author seeks to answer the key question of how geopolitics influences the decisions of leaders and political actors. According to the author, geographical challenges, including mountains, rivers, deserts, and other natural barriers, limit leaders' decision-making in war and peace. In this regard, the author examines the geopolitical conditions of different countries in different geographical regions and, by reviewing the historical past, looks at the future of international crises in light of geopolitical constraints. The Marshall Team has identified key geopolitical issues facing all major continents and regions of the world. The author analyzes the geopolitics of areas with the potential for current or future conflicts. In view of the

\* PhD in International Relations, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, aarmina.arm@gmail.com

Date received: 16/07/2022, Date of acceptance: 26/10/2022



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

above issues, the present article tries to introduce the work, critique, and evaluate it on the agenda.

**Keywords:** Security, Geography, Geopolitics, International Relations, Power Politics.



## نقد و بررسی کتاب در اسارت جغرافیا:

### ده نقشه که همه آموختنی‌ها را درباره سیاست جهانی بیان می‌کند<sup>۱</sup>

آرمینا آرم\*

#### چکیده

جغرافیا تأثیر بسیار مهمی در سرنوشت کشورها دارد. در این چارچوب، اخیراً کتابی با عنوان «در اسارت جغرافیا» توسط تیم مارشال منتشر شده که محور اصلی آن تأکید بر اهمیت ژئوپلیتیک در بررسی مسائل و بحران‌های بین‌المللی است. نویسنده کتاب با تمرکز بر اهمیت نقش عوامل جغرافیایی، به دنبال یافتن پاسخی مناسب برای این پرسش کلیدی است که چگونه ژئوپلیتیک یا جبر جغرافیایی تصمیمات رهبران و بازیگران سیاسی کشورها را تحت تأثیر قرار می‌دهد؟. از نظر مارشال، چالش‌های جغرافیایی سبب ایجاد محدودیت‌هایی در تصمیم‌گیری رهبران در حوزه‌هایی چون جنگ و صلح می‌شود. در همین راستا، نویسنده برای ارزیابی مدعای اصلی خود در کتاب شرایط ژئوپلیتیک کشورهای مختلف در مناطق گوناگون جهان را مورد بررسی قرار می‌دهد و با مرور گذشته تاریخی، نگاهی به آینده بحران‌های بین‌المللی در سایه محدودیت‌های ژئوپلیتیک می‌اندازد. مارشال موضوعات کلیدی ژئوپلیتیک که تمام قاره‌ها و مناطق مهم جهان با آن روبه‌رو هستند را شناسایی کرده، تا از این طریق مناطقی که پتانسیل درگیری‌های فعلی یا آینده را دارند مورد شناسایی و تحلیل قرار دهد. بدیهی است مباحث مذکور در زمره موضوعات کلیدی در حوزه حکمرانی است و اهمیت چنین مباحثی نویسنده این سطور را به سمت معرفی، نقد و بررسی اثر مذکور رهنمون ساخته است.

\* دکترای روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، [aarmina.arm@gmail.com](mailto:aarmina.arm@gmail.com)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۴



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

**کلیدواژه‌ها:** امنیت، جغرافیا، ژئوپلیتیک، روابط بین الملل، سیاست قدرت.

## ۱. مقدمه

ژئوپلیتیک واحدهای سیاسی یکی از عناصر اصلی سیاست، قدرت و امنیت هر کشور در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل است. اگر ژئو را به معنای «زمین» و پلیتیک را به معنای «سیاست» در نظر بگیریم، از ترکیب این دو کلمه چیزی حاصل می‌شود که ما می‌توانیم آن را «سیاست زمین» یا همان تعیین‌کنندگی نقش زمین در عرصه سیاسی تلقی کنیم. بنابراین، معنای واقعی ژئوپلیتیک همان سیاست جغرافیایی است یعنی همه تأثیراتی که جغرافیای یک منطقه بر رفتار و سیاست کشور یا کشورهای آن منطقه برجای می‌گذارد. در تعریف ژئوپلیتیک گفته می‌شود که این مفهوم در سیاست خارجی کشورها رفتار سیاسی یا توانایی‌های نظامی و امنیتی واحدهای ملی را برحسب مختصات محیط طبیعی توضیح می‌دهد و حتی پیش‌بینی می‌کند. بر اساس این رویکرد، ژئوپلیتیک با درجات مختلف بیانگر تأثیر جغرافیا بر امور تاریخی و سیاسی است. به هر روی، ژئوپلیتیک به عنوان شاخه‌ای از رشته جغرافیای سیاسی دارای ماهیت علمی است و همانند هر نظام علمی دیگری در سپهر معرفتی بشر، دارای دو وجه بنیادی و کاربردی است. وجه بنیادی ژئوپلیتیک به تولید نظریه‌های علمی و گزاره‌های نظری و توسعه معرفت‌شناسی ژئوپلیتیک می‌پردازد. وجه کاربردی آن نیز ناظر بر تولید نظریه‌های کاربردی، الگوها و روشهای عملی ژئوپلیتیک در راستای رفع نیازهای ملتها، کشورها و جوامع بشری است (حافظ‌نیا، ۱۴۰۰: ۱).

به هر شکل، از مطالعات کلاسیک متفکرانی چون منتسکیو در دوران مدرن گرفته تا نظریه‌پردازی‌های اخیر در عصر جهانی شدن دیدگاه‌های مختلفی در خصوص نقش و اهمیت جغرافیا مطرح شده است. در بخش‌هایی از «روح‌القوانین» منتسکیو جغرافیا به عنوان عاملی اصلی (اگرچه تنها عامل) پشت موضوعات مورد بحث مطرح شده است. این متفکر مدرن گاهی تاریخ ملتها و فرهنگ‌ها را به جای عقل با عناصری چون آب و هوا و جغرافیا توضیح می‌دهد (کلوسکو، ۱۳۹۱: ۴۰۶). علاوه بر این در دوران معاصر و پس از ظهور و بروز پدیده جهانی شدن موجی دیگر از مطالعات نظری در خصوص اهمیت و نقش جغرافیا مطرح گردید. عده‌ای با رویکردهای افراطی خود به جهانی شدن نگریستند و آن را

عاملی چالش ساز برای عنصر جغرافیا تلقی کردند. در این میان جهان‌گرایان افراطی گروهی هستند که پایان الگوهای سنتی ژئوپولیتیک را مطرح ساخته‌اند. گیه‌نو مدعی شد با جهانی شدن پایان دولت - ملتها آشکار شده است، کینجی اوهمای از مرگ آنها سخن گفت، شاپیرو از پایان حاکمیت صحبت به میان آورد و ابراین نیز لغت مرگ را برای جغرافیا به کار گرفت. او معتقد است در نتیجه جهانی شدن اقتصاد و تعاملات تجاری در فضای دیجیتال جایگاهی برای جغرافیا و سرزمین وجود ندارد. پل ویرلیو بیان داشت به جای سرزمین ما هم اکنون با زمان تعامل می‌کنیم و توزیع سرزمینی جای خود را به توزیع زمانی داده و حکومت بر سرزمین به حکومت بر زمان تغییر شکل داده است (ن.ک: قوام، ۱۳۸۴، سلیمی، ۱۳۸۴). مشاهده می‌شود در نتیجه موجی از نظریه‌پردازی‌های اخیر ما شاهد چالش علیه نقش جغرافیا در زندگی سیاسی امروز بشر هستیم.

با این اوصاف و علیرغم دیدگاه‌های مذکور تیم مارشال مجدداً از نقش و تعیین‌کنندگی جغرافیا صحبت به میان آورده است. فرضیه محوری کتاب مبتنی بر این موضوع است که نوع تصمیمات و سیاست‌گذاری‌های کشورها، تا اندازه زیادی تحت تأثیر جغرافیای آنها قرار دارد. مارشال در پی بررسی عوامل تعیین‌کننده تاریخ است و معتقد است زمان اهمیت دادن دوباره به مساله جغرافیای سیاسی فرارسیده است. همچنین برخی از چهره‌های امنیتی جهان نیز در خصوص اهمیت ایده و اثر او نکاتی را مطرح کرده‌اند. به گفته سر جان اسکارلت مدیر سازمان اطلاعات سری بریتانیا که بر کتاب مقدمه نوشته این کتاب پر است از بینش‌های سنجیده که به‌طور مستقیم با امنیت و رفاه انسان‌ها مرتبط است. به عنوان مثال چه چیزی باعث اقدام روسیه در اوکراین شد و غربی‌ها از آن غافل بودند؟ اگر بله، چرا؟ مسکو تا کجا پیش‌روی می‌کند یا چین سرانجام در مرز زمینی طبیعی خود، احساس امنیت خواهد کرد یا خیر؟ و... از مهمترین مباحث مطروحه توسط مارشال است (ن.ک: اسکارلت، ۱۳۹۹).

به هر شکل، کلیه کشورهای جهان فارغ از نوع حکومت و شرایط داخلی به نحوی در اسارت ژئوپولیتیک خود قرار دارند. در حقیقت نقش مهمی که جغرافیا در توسعه اقتصادی اجتماعی از طریق عواملی مانند محصور شدن در خشکی، آب و هوا و گستره جغرافیایی بیماری‌های گرمسیری ایفا می‌کند، اکنون توسط نهادهای دانشگاهی برجسته جهانی مانند انستیتوی زمین در دانشگاه کلمبیا و توسعه بین‌المللی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

هر کشوری در جغرافیای سرزمینی مشخصی زاده می‌شود و باید با آنچه این جغرافیا برایش به ارمغان آورده مقابله کند. در واقع، موقعیت جغرافیایی کشورها، محیط عمل آنها را مشخص می‌کند. جغرافیای آنها تاریخ، فلسفه، فرهنگ، استقرار اجتماعی، سیاست، اقتصاد، سیاست خارجی و استراتژی‌های امنیتی آنها را تعیین می‌کند. از نظر موقعیت جغرافیایی هر کشور می‌تواند محصور در خشکی یا جزیره‌ای در وسط اقیانوس باشد، مانند روسیه بسیار گسترده یا به اندازه اسرائیل کوچک باشند. کشورها در نقاط مختلف جغرافیایی می‌توانند از مزیت دارا بودن رودخانه‌ها برخوردار باشند یا در وسط بیابانی واقع شده باشند. تلاش برای دسترسی به منابع و فرصت‌های بهتر، اغلب به معنای تسخیر قلمرو دیگران است و این مسئله منجر به درگیری و جنگ میان کشورها می‌شود. رهبران کشورها از گذشته، خواه در قالب یک دولت دموکراتیک یا حکومت توتالیتر همیشه سعی در استفاده از منابع موجود و یا مدیریت و جبران کمبود آنها را داشته‌اند (ن.ک: مارشال، ۱۳۹۹). در چنین افقی که مارشال مطرح ساخته او در کتابش قدرت‌های بزرگ اقتصادی جهان و چگونگی تأثیر موقعیت جغرافیایی آنها در اتخاذ استراتژی‌هایشان را مورد بررسی قرار داده است. این کتاب به خوبی اهمیت جغرافیا در اقتصاد و زندگی کشورها را به تصویر می‌کشد. کشورهایی که توسط کوه‌ها، بیابان‌ها و رودخانه‌ها محدود شده‌اند. از منابع سیاسی، انسانی و طبیعی در دسترس خود استفاده کرده‌اند و از محدودیت‌های جغرافیایی رها شده‌اند. اکنون با پدیده‌های اقلیمی مانند گرمایش جهانی، بیابان‌زایی، جنگل‌زدایی منطقه آمازون، افزایش سیلاب و ذوب قطب شمال روبه‌رو هستیم. احتمال جنگ‌های آبی وجود دارد (اتیوپی در مقابل مصر و سوریه در مقابل عراق). بطور کلی تیم ماشال در اثر خود بینش و بصیرت‌های تازه‌ای در خصوص اهمیت و نقش جغرافیا مطرح ساخته و همین امر ضرورت معرفی و نقد و بررسی آن را برای محققان ایرانی نیز دوچندان ساخته است.

## ۲. معرفی اثر و نویسنده آن

کتاب «در اسارت جغرافیا» با عنوان اصلی «Prisoners of Geography: Ten Maps That Tell You Everything You Need To Know About The World» نوشته تیم مارشال با ترجمه مرجان رضایی در سال ۱۳۹۹ در ۳۴۴ صفحه و با شمارگان ۱۲۰۰ نسخه توسط نشر مرکز

به زبان فارسی منتشر شده است. تیم مارشال (Tim Marshall) عمدتاً حول محور موضوعات مرتبط با روابط بین‌الملل و سیاست جهانی قلم می‌زند. در اسارت جغرافیا تنها اثر او در ادبیات روابط بین‌الملل و جغرافیای سیاسی نیست، از او آثاری دیگری چون «Transforming Barcelona: The Divided: Why We're Living in an Age of Walls» و «Worth Dying For: The Power and Politics of Renewal of a European Metropolis» نیز منتشر شده است. مارشال گزارشگری حرفه‌ای خود را از شبکه LBC آغاز کرد و به مدت سه سال خبرنگار دفتر پاریس بود. وی همچنین گزارش‌هایی را برای بی‌بی‌سی تهیه کرده و برای بسیاری از روزنامه‌ها نیز نویسندگی کرده است. مارشال همچنین سردبیر باسابقه امور خارجه و سپس سردبیر دیپلماتیک اسکای نیوز بوده است. طی بیش از بیست و چهار سال حضور در اسکای نیوز، مارشال از سی کشور گزارش تهیه کرد و وقایع دوازده جنگ را پوشش داد. وی گزارش‌هایی را از اروپا، ایالات متحده، آسیا و همچنین از میدین نبرد در بوسنی، کرواسی و صربستان در طول جنگ‌های بالکان در دهه ۱۹۹۰ گزارش کرده است. مارشال هنگام حمله به افغانستان از خط مقدم گزارش می‌داد و مدتی را در عراق گذراند. وی گزارش‌هایی را از لیبی، مصر، سوریه و تونس در زمان قیام‌های سراسری جهان عرب ارائه داده است. وی به عنوان خبرنگار اسکای نیوز در خاورمیانه، مستقر در بیت المقدس، در ماه آگوست ۲۰۰۵ درگیری‌های گسترده اسرائیل و غزه را نیز گزارش کرده. وی همچنین خبرنگار اسکای نیوز در اروپا بود، ریاست دفتر خبر خود در بروکسل را بر عهده داشت. ویلاگ مارشال تحت عنوان «موضوعات خارجی» در فهرست کوتاه جایزه اورول ۲۰۱۰ قرار گرفت. در سال ۲۰۰۴ وی برای پوشش خبری خود در جنگ عراق در رشته رویداد اخبار انجمن تلویزیونی سلطنتی نامزد جایزه نهایی شد. وی در سال ۲۰۰۷، برای گزارشی درباره فرقه منافقین و در سال ۲۰۰۴ برای مستند «پادشاهی صحرا» که دسترسی منحصر به ولی‌عهد عبدالله و کاخ‌های وی را داشت، گواهی‌نامه‌های جهانی کسب کرد. همه این رخدادها و تحولات در زندگی تیم مارشال نشانگر پختگی او از سیاست جهانی و تحولات خرد و کلان آن است. بدیهی است محققانی که در چنین سطحی با تحولات سیاسی در مناطق مختلف جهان درگیر بوده است از این توان و کفایت برخوردار خواهد بود که ایده مهمی چون «جبر جغرافیا» را مطرح کند.

### ۳. معرفی محتوایی اثر

پس از معرفی کلی اثر و نویسنده آن گام بعدی بحث به معرفی محتوایی آن اختصاص دارد. کتاب «در اسارت جغرافیا که عنوان فرعی «ده نقشه که همه آموختنی‌ها را درباره سیاست جهانی بیان می‌کند» را با خود یدک می‌کشد، پس از مقدمه سر جان اسکارلت و پیش‌گفتار کتاب، به ۱۰ فصل اصلی تقسیم شده است که در هر فصل نویسنده به یکی از مناطق جغرافیایی جهان پرداخته است. روسیه، چین، ایالات متحده آمریکا، اروپای غربی، آفریقا، خاورمیانه، هند و پاکستان، کره و ژاپن، آمریکای لاتین، شمالگان ده فصل اصلی کتاب را تشکیل می‌دهند. پس از فصول دهگانه کتاب نیز به ترتیب پس‌گفتار، کتاب‌شناسی، سپاس‌گزاری، معرفی نویسنده و نمایه درج شده است. به هر شکل، نویسنده اثر تلاش می‌کند با توجه به تجربیات خود و حضورش در مناطق مختلف جهان که در معرض جنگ و درگیری قرار دارند، تأثیر عوامل ژئوپلیتیک و محدودیت‌های جغرافیایی در بروز جنگ‌ها و تصمیمات رهبران را مورد تحلیل و بررسی قرار دهد. از این حیث کتاب حاضر را می‌توان در زمره مهم‌ترین آثار در حوزه ژئوپلیتیک که در بازار نشر ایران ترجمه و به چاپ رسیده است، قرارداد. حسب چنین مباحثی، نقد و بررسی این اثر از ضرورت و اهمیت فراوانی برخوردار است. در ادامه سعی خواهد شد تا ضمن معرفی مختصر فصول مختلف کتاب زمینه‌آشنایی خوانندگان با اثر فراهم شود و سپس در بخش‌های بعدی نیز بررسی انتقادی آن مورد توجه نویسنده این سطور قرار خواهد گرفت.

#### ۱.۳ روسیه

مارشال با این مدعا بحث را آغاز می‌کند که شاید روسیه به عنوان پهناورترین کشور جهان، بیش از سایر کشورها تحت تأثیر ژئوپلیتیک قرار داشته باشد. روسیه در طول تاریخ طولانی و پر فراز و نشیب خود بارها از سوی بیگانگانی مانند لهستان، سوئد، فرانسه و آلمان مورد هجوم قرار گرفته که این مسئله ناشی از جغرافیای این کشور است. در این فصل، نویسنده ضمن اشاره به تاریخ شکل‌گیری روسیه به عنوان یک دولت-ملت و جنگ‌های این کشور با سایر کشورهای جهان از گذشته تا کنون بار دیگر به اهمیت ژئوپلیتیک در روند تصمیم‌گیری و ادراک رهبران روس تأکید می‌کند. نداشتن بندری در آب‌های گرم با امکان دسترسی به اقیانوس‌ها همواره نقطه ضعف روسیه بوده، روسیه به لحاظ جغرافیایی



دچار کاستی است و به یمن داشتن نفت و گاز است که کشوری ضعیف نیست (مارشال، ۲۵: ۱۳۹۹). از نظر نویسنده دلیل بحران‌های فعلی که روسیه درگیر آنهاست از جمله بحران اوکراین و جنگ داخلی سوریه ناشی از همین الزامات ژئوپلیتیک می‌باشد. روسیه برای دسترسی به بندر آب گرم به اوکراین احتیاج دارد زیرا روسیه بدون وجود یک بندر آسیب پذیر است. در مورد اوکراین، تا زمانی که در کیف دولتی طرفدار روسیه حاکم بود، روس‌ها می‌توانستند مطمئن باشند که ناحیه حائل آنها پابرجاست و از جلگه اروپای شمالی حفاظت می‌کند اما با روی کار آمدن دولتی طرفدار غرب که مایل به پیوستن به اتحادیه اروپا و ناتو هم بود تمام این محاسبات با تردید روبه رو می‌شود (مارشال، ۲۷: ۱۳۹۹). از سوی دیگر، بندر سواستوپول در کریمه تنها بندر گرم روسیه است و در صورت عضویت اوکراین در ناتو دسترسی روسیه به این بندر از دست می‌رفت. بنابراین ضرورت ژئوپلیتیک دلیل الحاق شبه جزیره کریمه به خاک روسیه را به خوبی توجیه می‌کند (Nalbandov, 2016).

### ۲.۳ چین

چین با تمدنی کهن به مانند روسیه همواره مورد تعرض از جانب همسایگان و قدرت‌های بزرگ استعمارگر قرار داشته است. اگر به مرزهای امروزی چین نگاهی بیندازیم، می‌بینیم با قدرتی بزرگ روبه رو هستیم که ویژگی‌های جغرافیایی‌اش به آن امنیت بخشیده و راه دفاع و تجارت کارآمد را به رویش گشوده است (مارشال، ۵۷: ۱۳۹۹). منطقه تبت به لحاظ اختلافات این کشور با هند و وجود مخازن گسترده آبی از اهمیتی استراتژیک برای چین برخوردار است. به گفته مارشال چینی‌ها خود را با داشتن تنها خط ساحلی «اقیانوس آرام» به طور جدی آسیب‌پذیر می‌دانند. تاریخ چین از دشت شمال چین آغاز می‌شود. رودخانه‌های زرد و یانگ تسه غالباً این منطقه را که امروزه یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق کره زمین است در بر گرفته‌اند و این منطقه که محل سکونت و اشتغال بسیاری است همواره در معرض طغیان این رودخانه‌ها قرار دارد. در شمال کویر، در غرب کوه‌ها و در شرق اقیانوس‌ها قرار دارند. این وضعیت جغرافیایی ورود مهاجمان از هر جهت را به غیر از تبت و گردنه‌های کوهستانی کوچک‌تر مانند آنهایی که در نزدیکی پکن یا منچوری هستند دشوار می‌سازد. چین در طول تاریخ همواره توسط کشورهای دیگر

تهدیدشده بنابراین قلمرو خود را گسترش داده است. چین پس از سال‌های طولانی انزوا، تجارت با غرب را آغاز کرد. اگرچه در دوره‌هایی از تاریخ کشورهای خارجی چین را کنترل می‌کردند اما این مقاطع تاریخی دوام چندانی نداشتند. پس از جنگ جهانی دوم، چین به دو کشور تقسیم شد. حزب کمونیست سرزمین اصلی را کنترل کرد و تایوان به یک کشور مستقل تبدیل شد. این کشور برای بهبود اقتصاد خود با در اختیار گرفتن برخی عناصر سرمایه‌داری ضمن حفظ کنترل بر صنایع و منابع عمده به سمت اقتصاد بازار حرکت کرد. این مدل اقتصادی جدید به سوسیالیسم با ویژگی‌های چینی معروف است.

### ۳.۳ ایالات متحده آمریکا

نویسنده ادعا می‌کند که ایالات متحده به دلیل داشتن دو خط ساحلی اقیانوس اطلس و اقیانوس آرام از نظر جغرافیایی در موقعیت بسیار خوبی قرار دارد. این موقعیت جغرافیایی، آمریکا را به یک بازیگر اصلی در هر دو سیستم اقتصادی آسیای شرقی و اروپا تبدیل کرده است. از سوی دیگر، ایالات متحده با اکثر کشورها متفاوت است زیرا از نظر دفاعی آسیب‌پذیری بسیار کمی در مورد حملات سنتی از سوی سایر کشورها دارد. پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده با تشکیل ناتو (سازمان پیمان آتلانتیک شمالی) به دنبال محافظت از اروپای غربی در برابر حملات شوروی بود. در سال ۱۹۹۱ قدرت روسیه با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی کاهش یافت. چین قدرت بیشتری پیدا کرد و همسایگانش در معرض خطر قرار گرفتند. آمریکا یک ابرقدرت است و منافع زیادی در بسیاری از نقاط جهان دارد. مارشال پیش‌بینی می‌کند تولید نفت آمریکا افزایش می‌یابد در حالی که تقاضایش برای نفت خارجی کاهش پیدا می‌کند. در این فصل نویسنده این موضوع مهم را گوشزد می‌کند که ایالات متحده به دنبال ایجاد دموکراسی در خاورمیانه بوده است اما نتیجه مطلوبی نگرفت زیرا به الزامات محلی در منطقه توجه چندانی نداشت. در حال حاضر، آمریکا با اقتصادی پررونق و توان نظامی بی‌رقیب خود کشوری قدرتمند در جهان است.

### ۴.۳ اروپای غربی

به لطف انقلاب روشنگری و صنعتی، اروپا کمک بسیاری به جهان مدرن کرده است. از نظر نویسنده، دلیل عمده آن آب و هوای معتدل، بارندگی فراوان و خاک حاصلخیز اروپا است.

این عوامل بیش از سایر مناطق به ایجاد جوامع پر رونق کمک کرد. اروپای شمالی از خاک و محصولات حاصلخیز بیشتری نسبت به جنوب اروپا برخوردار است. بنابراین، کشورهای شمال اروپا ثروتمندتر شدند و تجارت بیشتری با یکدیگر داشتند. این امر منجر به ایجاد مراکز شهری در مکان‌هایی مانند فرانسه، آلمان و بلژیک شد. اروپا برای کشاورزی تقریباً در تمام طول سال به اندازه کافی گرم و بارانی است، اما در زمستان به حدی سرد است که می‌تواند بسیاری از میکروب‌های بیماری‌زا را از بین ببرد. رودخانه‌های قابل کشتیرانی و بندرهای طبیعی تجارت در این منطقه را آسان می‌کنند و همین امر منجر به ایجاد کشورهای ملی توسط اروپایی‌ها شده. موانع طبیعی مرزهای اروپا را شکل داده‌اند. به عنوان مثال در اسپانیا و پرتغال کوه‌های پیرنه آنها را از فرانسه جدا می‌کند. رود راین، فرانسه و آلمان را از هم جدا می‌کند. اروپا در گذشته شاهد دو جنگ جهانی ویرانگر بود که نقطه شروع آنها از خاک این قاره بوده است. در حال حاضر، اختلافات کشورهای بزرگ اروپایی که مسبب شروع این جنگ‌ها بودند از میان رفته و جای خود را به همکاری‌های اقتصادی و سیاسی در مسائل جهانی داده که نمود بارز این شکوفایی و ادغام تشکیل اتحادیه اروپایی است (مارشال، ۱۱۸: ۱۳۹۹). در نهایت مارشال به این نکته اشاره می‌کند که اگر اتحادیه اروپا و ناتو شکست بخورند آنگاه شاهد بازگشت شرایطی خواهیم بود که در آن هر کشوری به دنبال متحدان خود برای برقراری موازنه قدرت است. در پایان، تاریخ به ما می‌آموزد که همه چیز می‌تواند به سرعت تغییر کند و جغرافیا به ما می‌گوید که انسان‌ها اگر می‌خواهند زنده بمانند باید دائماً با این قوانین طبیعی مبارزه کنند.

### ۵.۳ آفریقا

آفریقا قاره بزرگی است، بسیار بزرگتر از آن چیزی که روی نقشه نشان داده می‌شود. قسمت شمالی آفریقا بیشتر از مناطق بیابانی تشکیل شده در حالی که جنگل‌ها بیشتر قسمت میانی آن را پوشانده‌اند. قسمت جنوبی دارای دشت‌های مرتفع، بیابان‌ها و مناطق نیمه خشک از نوع مدیترانه‌ای شبیه مناطق ساحلی شمال است. آفریقا علیرغم وسعت زیاد، چالش‌های مهمی را برای انسان‌ها به وجود آورده است. گذشته از مناطق منزوی و تعداد کمی بندر و رودخانه، از نظر وسعت مناطق کشاورزی یا حیوانات اهلی محدودیت‌های بسیاری دارد. علاوه بر این، جمعیت زیاد و فضای گرم داخلی زمینه پرورش بیماری‌هایی

مانند مالاریا، تب زرد و اچ آی وی را فراهم می‌کند. (مارشال، ۱۵۳: ۱۳۹۹). کشورهای اروپایی بیشتر مناطق آفریقا را فتح کرده و مرزهای مصنوعی ایجاد کردند که امروز نیز منشأ اختلافات ارضی و مرزی میان کشورهای آفریقایی است. در حال حاضر نیز درگیری و بهره‌برداری خارجی در آفریقا ادامه دارد. شرکت‌های آمریکایی، اروپایی، چینی و ... در استخراج مواد معدنی و نفت به شدت با یکدیگر رقابت می‌کنند. کشورهای سرمایه‌گذار، تسهیلات بندری و راه آهن را برای انتقال منابع از یک کشور به کشور دیگر توسعه می‌دهند. از نظر مارشال تنها شرایط آفریقای جنوبی به دلیل داشتن ذخایر زیاد طلا و مواد معدنی، اقتصادی با سایر کشورهای آفریقایی متفاوت است. از نظر جغرافیایی با دسترسی به دو اقیانوس و زمین‌های حاصلخیز برای کشاورزی از موقعیت خوبی برخوردار است. آب و هوا باعث می‌شود که مالاریا در سراسر کشور گسترش پیدا نکند. بنادر، راه آهن و نیروهای مسلح آفریقای جنوبی کمک می‌کنند کالاها به خارج از مرزها صادر شوند و در عین حال آنها را در برابر مهاجمان در امان نگه دارد. اما این شرایط فقط مختص کشور آفریقای جنوبی است در حالی که سایر کشورهای آفریقایی از این مواهب بی‌بهره‌اند.

### ۶.۳ خاورمیانه

خاورمیانه منطقه‌ای از جهان است که بین دریای مدیترانه و ایران و همچنین از دریای سیاه تا هند واقع شده است. این منطقه شامل بیابان‌ها، کوه‌های پوشیده از برف، رودخانه‌های طولانی و دشت‌های ساحلی با ذخایر گسترده نفتی در زیر زمین آن است. مرزهای فعلی خاورمیانه توسط قدرت‌های استعماری اروپا ایجاد شده و همین مسئله سبب درگیری‌های زیادی بر سر این مرزها شده است. یکی دیگر از منازعات خاورمیانه، اختلافات مذهبی بین مسلمانان و مسیحیان بر سر نحوه عمل به آیین خود است (مارشال، ۱۹۳: ۱۳۹۹). سوریه یکی از کشورهای چند مذهبی، چند اعتقادی و چند قبیله‌ای است که به دلیل حاکمیت اقلیت شیعه بر سنی‌ها همواره از اختلافات داخلی رنج می‌برد. عراق توسط کردها در شمال و شیعیان در جنوب تجزیه شده است که هر دو میداین نفتی را کنترل می‌کنند. اهل سنت نیز در بین جنبش‌های جهادی در کشورهای خود گرفتار شده‌اند. به عنوان مثال اردن به راحتی می‌تواند مانند سوریه دچار هرج و مرج شود در حالی که عربستان سعودی اکنون در

یمن با شورشیان حوثی می‌جنگد. اسرائیل غالباً با همسایگان خود درگیری دارد. این کشور درگیری‌هایی با فلسطینیان در کرانه باختری و غزه و همچنین جنگهای گاه و بیگاه در مرزهای خود تجربه کرده است. به طور کلی، شرایط فعلی خاورمیانه بسیار آشفته است و پتانسیل وقوع درگیری و جنگ میان کشورهای منطقه وجود دارد.

### ۷.۳ هند و پاکستان

هند و پاکستان اختلافات زیادی با یکدیگر دارند اما هر دو سلاح هسته‌ای دارند. وسعت جغرافیایی هند و جمعیتش از پاکستان بیشتر است و اقتصادی به مراتب قوی‌تر از پاکستان دارد. در سال ۱۹۴۷ مستعمرات انگلیس در جنوب آسیا به هند و پاکستان تقسیم شد. میلیون‌ها مسلمان از مرزهای جدید هند فرار کردند و میلیون‌ها هندو و سیک به سمت پاکستان حرکت کردند. هند از لحاظ سیاسی یکپارچه و دموکراتیک‌تر از پاکستان است. جمعیت هند متنوع است اما همچنان موفق به حفظ وحدت ملی شده است. هند و پاکستان بین سال‌های ۱۹۴۷ و ۱۹۹۹ هشت جنگ انجام دادند که عمدتاً بر سر کشمیر بود. اگر هند کنترل کامل کشمیر را داشت به آسیای میانه راه پیدا می‌کرد و همچنین از دسترسی پاکستان به اقتصاد در حال رشد چین جلوگیری می‌کرد (مارشال، ۲۰۱۴: ۱۳۹۹). هند از ارتش بزرگتری برخوردار است اما پاکستان می‌تواند با حمله به شاهراه اصلی که تجهیزات هند از آن عبور می‌کند، ارتباط را قطع کند. پس از ۱۱ سپتامبر، ایالات متحده پاکستان را به دلیل حمایت از طالبان تهدید کرد. این امر آنها را مجبور به حمایت از جنگ علیه تروریسم کرد که منجر به نبرد بین نیروهای پاکستان و طالبان شده است. این درگیری‌ها باعث مرگ ۵۰,۰۰۰ غیرنظامی در پاکستان شده است. با این حال، برخی از عناصر دولت پاکستان همچنان به طور مخفیانه از طالبان حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، هند و چین در امتداد مرز خود درگیری دارند. هند از استقلال تبت حمایت می‌کند که مورد حمایت چین نیست. در نتیجه، چین برای مقابله با نفوذ هند در آنجا از مائوئیست‌های نپال حمایت می‌کند. هند به لحاظ مزیت‌های جغرافیایی، زمین‌های قابل کشت، منابع آب و آبراه‌های قابل کشتیرانی دارد اما باید مقدار زیادی از انرژی مصرفی خود را وارد کند. این کشور همچنین در تلاش است تجارت خود را با چین هماهنگ کند و با چندین کشور جنوب شرقی آسیا همسو شود تا با تسلط روزافزون چین بر دریای چین جنوبی مقابله کند.

### ۸.۳ کره و ژاپن

کره شمالی کشوری کوچک بین چین و کره جنوبی است و توسط خانواده کیم که کمونیست هستند اداره می‌شود. کره توسط رودخانه یالو به دو قسمت تقسیم شده است. شبه جزیره کره با کوه‌ها در شرق و دشت‌ها در غرب به نصف تقسیم شده است. به گفته مارشال، درگیری‌های بزرگ میان دو کره دور از دسترس نیستند. اگر قرار بود دو کره متحد شوند ژاپن برای مقابله با چین از این مسئله حمایت می‌کند. اقتصاد کره جنوبی بسیار پیشرفته‌تر از اقتصاد کره شمالی است اما کره شمالی با داشتن منابع طبیعی غنی مانند زغال‌سنگ و روی می‌تواند پیشرفت کند. با این حال، تجدید جنگ بین دو کره از نظر اقتصادی برای هر دو طرف ویرانگر خواهد بود. ژاپن کشوری جزیره ای است با ۱۲۷ میلیون نفر در چهار جزیره بزرگ و هزاران جزیره کوچکتر. فاصله آن از خشکی آسیا باعث شده است تا از حمله و همچنین زمین کوهستانی آن در امان بماند (مارشال، ۲۵۶: ۱۳۹۹). ژاپن همچنین فاقد منابع طبیعی است بنابراین بیشتر گاز و نفت خود را وارد می‌کند. به گفته مارشال نتیجه جنگ جهانی دوم نیز به واسطه الزامات جغرافیایی مشخص شد. ایالات متحده مجبور شد جزایر اقیانوس آرام را یکی یکی از جمله اوکیناوا در ژاپن آزاد کند. در نهایت برای وادار کردن ژاپن برای تسلیم در جنگ، ایالات متحده از بمب‌های هسته ای در هیروشیما و ناگازاکی استفاده کردند. پس از جنگ، ژاپن به قدرتی اقتصادی تبدیل شد زیرا آمریکا به بازسازی آن به عنوان سپری علیه چین کمونیست کمک کرد. امروزه، اگرچه اختلافاتی بین کره جنوبی و ژاپن در مورد کره شمالی وجود دارد اما آن‌ها برای محافظت در مقابل چین به یکدیگر احتیاج دارند.

### ۹.۳ آمریکای لاتین

آخرین قاره مورد بحث کتاب، آمریکای مرکزی و لاتین است. بیشترین بحران سیاسی آمریکای لاتین به مانند آفریقا ناشی از انزوا و ریشه‌های آن است. شهرهای بزرگ آمریکای لاتین غالباً توسط شهرک نشینان اروپایی ساخته شده که ترجیح می‌دادند در مناطق ساحلی مستقر شوند تا از این طریق از بیماری‌ها در امان باشند. آنها مناطق ساحلی را برای دسترسی راحت‌تر به بندرها و صادرات بهتر منابع طبیعی به یکدیگر متصل کردند. مهاجران ثروتمند اروپایی که در ساحل اقامت داشتند، سهم زیادی از زمین‌ها را

دراختیار داشتند و اکثریت جمعیت بومی و پس از برده‌داری را اداره می‌کردند. این رویدادها همراه با محدودیت‌های جغرافیایی منجر به چیزی شد که امروز در آمریکای لاتین شاهدش هستیم. مارشال در این فصل به این نکته اشاره می‌کند که از آنجا که اروپایی‌ها در ساخت جاده‌هایی که ساحل‌ها را به هم متصل کند سرمایه‌گذاری نکردند مناطق وسیعی به‌صورت توسعه نیافته باقی ماند. کشورهای آمریکای لاتین زبان واحدی دارند اما مرزهای مصنوعی پتانسیل درگیری‌هایی فرهنگی در این کشورها را افزایش داده و برخی از آنها ریشه آفریقایی و اروپایی دارند. دیگران بومی مناطق مربوطه خود هستند. علاوه بر این، جنبش‌های ضد استعمار / طرفدار سوسیالیست باعث بی‌ثباتی در سراسر منطقه می‌شود. مکزیکی رفتار خشونت‌مربوط به مواد مخدر شده است. چین به نفت ونزوئلا علاقه‌مند است اما ایالات متحده و ونزوئلا اختلاف دارند. برزیل بزرگترین کشور آمریکای جنوبی است. این منطقه مساحت زیادی دارد اما توسعه آن با شرایط سختی روبه‌رو است زیرا بیش‌تر این سرزمین جنگل بارانی است. همچنین کوه‌های مرتفع و کوهستانی وجود دارد که برخی مناطق را از مناطق دیگر جدا می‌کند. مارشال اشاره می‌کند که برزیل در حال کار بر روی زیرساخت‌های خود است اما جغرافیای این کشور ارتباط با سایر کشورها را دشوار می‌کند. آرژانتین پتانسیل توسعه و رشد اقتصادی در آینده را دارد زیرا کشوری بزرگ با زمین‌های کشاورزی مناسب است. با این حال، در آرژانتین مسائل سیاسی و اقتصادی وجود دارد که اقتصاد آن را از رشد باز داشته است. با وجود ذخایر نفت و گاز شیل در سراسر سرزمین آرژانتین، این کشور می‌تواند برای تولید انرژی برای سال‌های آینده خودکفا باشد.

### ۱۰.۳ شمالگان

در حال حاضر، قطب شمال به دلیل گرم شدن کره زمین در حال ذوب شدن است. همین مسئله منجر به امکان بهره‌برداری از منابع اقیانوس منجمد شمالی شده است. روسیه در این رقابت پیش افتاده است. کارشناسان بر این باورند که مقادیر زیادی گاز طبیعی و نفت و هم‌چنین طلا، روی، نیکل و آهن در منطقه قطب شمال وجود دارد. چندین کشور مانند روسیه، کانادا، نروژ، سوئد، فنلاند، ایسلند، گرینلند (دانمارک) و ایالات متحده در آلاسکا با این منطقه همسایه هستند. با این حال، بسیاری از ادعاهای آنها در مورد این منطقه توسط

سایر کشورها که معتقدند این منطقه میراث مشترک بشریت است، به چالش کشیده می‌شود. بیشتر کشورهای عضو شورای قطب شمال برای محافظت از خود در برابر روسیه نیروهای مسلح خود را افزایش داده‌اند. روسیه در این منطقه مانورهای گسترده جنگی برگزار می‌کند و ۳۲ یخ‌شکن دارد که بیش از هر کشور دیگری است. با این حال، قطب شمال مکانی خطرناک است. بنابراین لازم است قوانینی برای محافظت از همه طرفین حاضر در منطقه وضع شود. در واقع، بهتر است کشورهایی که دارای منافع مشابه هستند با هم همکاری کنند تا بتوانند به یکدیگر در دوام این شرایط سخت کمک کنند.

#### ۴. بررسی انتقادی ابعاد شکلی و محتوایی اثر

چنان که از حیث محتوایی بررسی شد، تیم مارشال تحلیل موشکافانه‌ای از ده منطقه جغرافیایی جهان ارائه داده است. او به خوبی مختصات جغرافیایی مناطق مذکور و همچنین امتیازات، بحران‌ها و چالش‌های آنها را به خوبی ترسیم کرده است. مارشال بواسطه تمرکز بر ده نقشه از مناطق مختلف جهان سعی نموده تا به قول خودش همه آموختنی‌ها را درباره سیاست جهانی بیان کند. این محقق برجسته در فهم مناطق مختلف سراغ منابع طبیعی، اقتصادی، سیاسی و ... این مناطق و کشورهای موجود در آنها رفته و یک به یک آنها را تجزیه و تحلیل کرده است. به هر حال، گزاره‌ها و توصیفاتی که او در کتابش بیان داشته همگی حاکی از شناخت دقیق وی از حوزه مطالعاتی‌اش دارد. علیرغم تمامی امتیازاتی که این اثر برجسته مارشال دارد، در ادامه نویسنده می‌کوشد تا با اکتفا بر ابعاد شکلی و محتوایی به ارزیابی اثر مورد مطالعه بپردازد.

#### ۱.۴ ارزیابی شکلی

چنان که مطرح شد، کتاب «در اسارت جغرافیا» از جمله آثار جدید حوزه نشر در زبان فارسی است که به دلیل طرح مدعایی خاص توسط نویسنده آن مورد استقبال جامعه علمی ایرانی قرار گرفت. ذکر این نکته نیز بیانگر اهمیت اثر مارشال است که در مدت کوتاهی سه ترجمه مختلف از آن به زبان فارسی منتشر شده است. علاوه بر ترجمه بررسی‌شده در این مقاله، باید به ترجمه هوشنگ جیرانی و هستی صیادی که با عنوان «زندانیان جغرافیا: ده نقشه‌ای که همه چیز را درباره سیاست‌های جهانی توضیح می‌دهد» و



ترجمه دیگری از علی مطیفی فرد با عنوان «زندانیان جغرافیا: مروری بر ده نقشه گوناگون که آن‌چه برای درک سیاست جهانی نیاز داریم با ما می‌گویند» اشاره کرد. به هر شکل، تمرکز مقاله حاضر در نقد اثر مذکور بر ترجمه منتشره توسط نشر مرکز است. جلد سبز رنگ کتاب با تصویری چند بعدی از کره زمین به خوبی با محتوای اثر که همان تعیین‌کنندگی جغرافیا و زمین است مطابقت دارد. چاپ اثر از حیث رسم‌الخط، صفحه‌آرایی و کیفیت وضعیت مناسبی دارد. مترجم کتاب نیز ضمن ارائه ترجمه‌ای روان از بحث‌های مارشال، تلاش کرده تا موضوعاتی که ممکن است برای خوانندگان کتاب مبهم باشد در قالب زیرنویس توضیح دهد. از این حیث در تمام فصول کتاب راجع به نقاط جغرافیایی یا مسائل دیگر به صورت زیرنویس توضیحاتی برای خوانندگان ارائه شده است.

## ۲.۴ ارزیابی محتوایی

چنان که دوئرتی و فالتزگراف بیان می‌کنند، یکی از رویکردهای سنتی در عرصه روابط بین‌الملل، «نظریه ژئوپلیتیک» است که به بررسی ارتباط انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و ریشه‌های جغرافیایی و میزان امکان تغییر عوامل زیست‌محیطی در جهت رفع نیازهای انسانی و ملی می‌پردازد (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲: ۴۵-۴۲). از این منظر، تیم مارشال در کتاب «در اسارت جغرافیا» در ادامه نظریه‌پردازی متفکرانی مانند فردریش راتسل، رودولف کیلن، آلفرد ماهان و هلفورد مکیندر که از پیشگامان مفهوم‌پردازی در حوزه ژئوپلیتیک محسوب می‌شوند، جغرافیا را عامل تعیین‌کننده‌ای در نوع نگاه راهبردی و سیاست‌گذاری کشورها در جهان امروز می‌داند. چنان که مطرح شد، دغدغه محوری مارشال فهم سیاست جهانی است و او با بررسی ده منطقه جداگانه می‌خواهد اهمیت نقش جغرافیا در عرصه سیاست جهانی را نشان دهد. این امر بدیهی است که سیاست جهانی مقوله بسیار پیچیده‌ای است و عوامل و متغیرهای مختلفی می‌توانند بر آن اثرگذار باشند. عوامل نظامی، سیاسی، اقتصادی، محیط‌زیستی، فرهنگی، مذهبی و ... از جمله مهمترین عوامل در شکل‌دهی به سیاست جهانی به شمار می‌آیند. بدون شک در میان این طیف از عوامل، نقش عامل جغرافیایی نیز در شکل‌دهی به سیاست جهانی نیز قابل توجه و بررسی است. اما پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این است که آیا مارشال با تمرکزی که بر جبر جغرافیایی داشته، فضای کافی برای سایر متغیرها و عوامل مذکور در فهم سیاست جهانی

باقی گذاشته است؟ به سخن دیگر آیا ژئوپلیتیک و نقش آن چنان که مارشال مطرح ساخته برای توضیح همه مسائل و مشکلات در نظام بین‌الملل و سیاست جهانی کفایت می‌کند؟ این مباحث مهمترین پرسش‌هایی هستند که طرح آنها از مارشال و اثر او بر غنای بحث خواهد افزود. در همین ابتدا باید اشاره کرد که مهمترین نقد نویسنده حاضر بر مدعای مارشال در فهم سیاست جهانی به تک علتی بودن دیدگاه او در جبر جغرافیا و نادیده‌انگاری سایر عوامل باز می‌گردد. احازه بدهید به برخی مسائل اشاره کنیم که طرح این نقد بر مدعای مارشال را واضح‌تر می‌سازد. در دنیای امروز اقتصاد از کنترل یک کشور و منطقه خاص خارج شده و ارتباط سریع بدان معناست که بحران در یک کشور و منطقه تأثیری فوری بر سراسر جهان دارد. از همه مهمتر اینکه اطلاعات اکنون بطور بی‌سابقه‌ای جریان دارد، بویژه از زمان ورود اینترنت موانع جغرافیایی و سیاسی در هم شکسته شده است و به تک تک افراد اجازه می‌دهد در سطحی جهانی با هم ارتباط و داد و ستد داشته باشند. جنبه دیگر این بحث می‌تواند معطوف به چندفرهنگ‌گرایی باشد، بدین صورت که جامعه‌ای جهانی بدان معناست که هر دولت - ملت احتمالاً باید به وطن مردم دیگر قاره‌ها و فرهنگ‌ها تبدیل شود (تامپسون، ۱۳۹۸: ۲۸۶-۲۸۷). به هر صورت، نمونه‌های مذکور بیش از هر چیز نشانگر آن است که سیاست جهانی در جهان امروز نه محصور در مرزهای جغرافیایی، بلکه در ارتباط با شبکه‌ای در هم پیچیده از عوامل مختلف است.

به هر حال، از دیدگاه افرادی که جبر جغرافیایی را به عنوان عامل مهمی در شکل‌گیری مناسبات جهانی در نظر می‌گیرند، برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها به طور مشخص براساس امتیازات محیط جغرافیایی این کشورها تعیین می‌شود و بهره بردن از این برتری‌ها و تلاش برای دستیابی به چیرگی‌های جغرافیایی تازه و ارتقای اهمیت برتری‌های قبلی در محیط بین‌الملل از اهداف مهم کشورها در عرصه بین‌المللی است. موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عوامل جغرافیایی می‌تواند سیاست و استراتژی ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (احمد پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۳). با این اوصاف، بررسی تحولات جهان امروز بدون اشاره به ایدئولوژی حکومت‌ها و زاویه دید آنها و تأکید صرف بر عنصر جغرافیا می‌تواند تحلیلی به شدت تقلیل‌گرایانه پیش روی محققان قرار دهد. تیم مارشال در این

کتاب به رابطه میان جغرافیا و پیامدهای اقتصادی - اجتماعی ناشی از آن اشاره می‌کند. به‌عنوان مثال، او استدلال می‌کند که انگلیس یک دموکراسی پیشرفته است زیرا شرایط ناشی از انزوای آن به عنوان یک جزیره، این کشور را قادر ساخته تا از برقراری حکمرانی توتالیتر جلوگیری کند. به همین ترتیب، مارشال استدلال می‌کند که دشت دانوب با رودخانه‌های به هم پیوسته خود در یک دشت هموار، مرزهای طبیعی و شبکه حمل و نقل که به راحتی قابل پیمایش است شرایط مناسبی را برای ظهور یک سیستم تجارت پروتکتیو فراهم کرده است. در این کتاب، خواننده با این دیدگاه روبرو می‌شود که رودخانه‌های بسته با توجه به ویژگی‌های آنها می‌توانند محرک یا بازدارنده توسعه اقتصادی - اجتماعی باشند. در این راستا موارد ایده‌آلی در اروپا قرار گرفته است جایی که رودخانه‌ها با هم روبه‌رو نمی‌شوند اما برای تجارت و بازرگانی ایدئال هستند. نمونه دیگر، رودخانه‌های واقع در ایالات متحده است که توسط حوزه آبخیز رودخانه می‌سی‌سی‌پی که پهنای بیشتری از آبراه‌های قابل کشتیرانی نسبت به بقیه جهان دارد، می‌باشد. از طرف دیگر، رودخانه‌های آفریقا مانند نیل و رود کنگو اغلب توسط آبشارها قطع می‌شوند و بیماری‌های زیادی را منتقل می‌کنند. مارشال استدلال می‌کند که مسیرها و ویژگی‌های رودخانه‌ها می‌تواند نقش دولت‌های ملی را شکل دهد. این کتاب به مضمونی رایج در جغرافیای تاریخی و منطقه‌ای یعنی ایجاد دولت‌های مصنوعی و مناطق نفوذ توسط قدرت‌های استعماری از اوایل دوره کاوش اروپا (اواخر قرن پانزدهم) تا اوایل قرن بیستم اشاره می‌کند. نویسنده توجه ویژه‌ای به خاورمیانه دارد. به عنوان مثال، توافق سایکس پیکو در سال ۱۹۱۶، که جغرافیای سیاسی معاصر خاورمیانه را ترسیم کرده و دلیل بسیاری از اختلافات و درگیری‌های فعلی کشورهای منطقه است.

تیم مارشال همچنین، به طور خلاصه به نقش فناوری به عنوان مثال، هواپیماهای بدون سرنشین در تغییر فضای جغرافیایی می‌پردازد، اما این موضوع را خیلی گسترش نمی‌دهد. همچنین، نویسنده به حد کافی به بحث‌های مرتبط با فضای مجازی، رسانه‌های اجتماعی، اینترنت، راه‌آهن سریع‌السیر و تأثیر این مسائل بر کاهش محدودیت‌های جغرافیایی و ایجاد فضای حیاتی برای کشورهای محصور نمی‌پردازد. مارشال استدلال می‌کند که فناوری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های بزرگ مانند کانال سوئز (که طول مسیر دریایی هند - اروپا را ۶۰۰۰ مایل کاهش داد) و کانال پاناما و کانال پیشنهادی

نیکاراگوئه با سرمایه‌گذاری چین، جغرافیای فیزیکی جهان را تغییر داده است. به عنوان مثال، پیشرفت تکنولوژی موجب صرفه‌جویی زمانی در هزاران کیلومتر سفر کشتی‌ها شده اما همچنان معتقد است که چنین سرمایه‌گذاری‌هایی تاثیر چندانی در محدودیت جغرافیا ندارند. در همین راستا، مارشال با اشاره به نیروهای طبیعی به ویژه تغییرات آب‌وهوایی مانند گرمایش زمین به تغییرات جغرافیایی مرتبط با این مسائل می‌پردازد اما معتقد است جغرافیا همچنان و با وجود این تحولات دست بالا را دارد. به طور خلاصه، نویسنده به طور جدی به مفهوم جبر جغرافیایی پایبند است و در قسمتی از کتاب با اشاره به پیشرفت تکنولوژی و تغییرات اقلیمی می‌گوید: «بنادر شمالی همچنان یخ می‌زنند و دشت شمال اروپا هنوز هموار است» (مارشال، ۳۵: ۱۳۹۹).

از لحاظ مناسبات قدرت نیز مارشال معتقد است که چین تا اواسط قرن جاری نمی‌تواند جایگاه ابرقدرت اقتصادی ایالات متحده را به چالش بکشد، اما جبر جغرافیایی او را در توضیح دلیل عدم پیشی گرفتن چین از ایالات متحده به عنوان ابرقدرت اقتصادی جهان ناکام می‌گذارد. در حقیقت، مبارزات فعلی چین مربوط به عدم موفقیت یک ساختار از بالا به پایین در حمایت از تغییر کارخانه (کارخانه جهان) به اقتصاد نوآوری و مصرفی است، نه از عوامل متناسب به جغرافیای این کشور. در حقیقت، چین از نظر مدیریت جغرافیای خود، ایجاد شبکه ریلی سریع السیر در سراسر کشور و توسعه مجموعه‌ای از بنادر پیشرفته ساحلی بسیار عالی عمل کرده و تا حدودی بر شرایط سخت جغرافیایی خود غلبه کرده است. برخی از اقدامات بزرگ جغرافیایی چین، به ویژه سد سه گلوگاه و بارگیری مجدد کشور و هدایت آب از جنوب به شمال، می‌تواند عواقب جدی زیست محیطی پیش‌بینی نشده‌ای برای این کشور داشته باشد (Wohlforth, 2017). از دیگر نکاتی که به بهانه نقد این کتاب اشاره به آن خالی از لطف نیست تأثیر جغرافیا بر شرایط ایران است. نخستین بار محی‌الدین مصباحی از اساتید حوزه روابط بین‌الملل با اشاره به «تنهایی استراتژیک ایران»، به تأثیر جبر جغرافیایی بر ایران پرداخته است. از نظر مصباحی «ایران، چه آگاهانه و خودخواسته و چه ناخواسته و از روی ناچاری به گونه‌ای استراتژیک تنه‌است و محروم از هر گونه اتحاد معنادار و متصل به قدرت‌های بزرگ است» (Mesbahi, 2011). عدم وجود موانع طبیعی مستحکم در اکثر مرزهای ایران و از طرفی موقعیت ژئواستراتژیکی، منابع طبیعی فراوان، جایگاه ویژه ژئوپلتیکی خصوصا در حوزه ژئوپلتیک انرژی و عوامل دیگر در طول تاریخ، ایران را گزینه تحمیل جنگ‌های متعدد از

سوی اقوام و کشورهای دیگر و همچنین استعمارگرایان کرده است. همین موضوع و عدم اتحاد با همسایگان برای مقابله با تهدیدات، همواره توجه ایران را به اتکا بر توانمندی‌های داخلی جهت حفظ موجودیت خود جلب کرده است (ن.ک: احمد دوست، ۱۳۹۹).

به هر شکل، اصطلاح ژئوپلیتیک ممکن است برای توصیف جغرافیای سیاسی یا جغرافیای مربوط به ساختار جهان و دولت‌های تشکیل‌دهنده این ساختار به کار رود یا ممکن است به جنبه‌هایی از سیاست خارجی اطلاق شود که در طرح‌ریزی آن باید عوامل جغرافیایی در نظر گرفته شود. با وجود اهمیت غیرقابل انکار ژئوپلیتیک، نباید از یاد برد که وقایع و تحولات سیاسی که در محیط‌های جغرافیایی مختلف اتفاق می‌افتند اگرچه تابع عامل جغرافیایی هستند، اما در نهایت این انسان و کارگزاری انسانی است و نه جغرافیا که وقایع سیاسی را به وجود می‌آورد. بدیهی است که جغرافیا مجموعه عواملی چون مساحت، موقعیت، آب و هوا و جمعیت یک کشور را شامل می‌شود. به علاوه جغرافیا یک عامل مهم در ساحت قدرت ملی است، اما این عنصر تنها یک عامل از میان عوامل بی‌شمار دیگر است و نباید بطور یکسویه نقش عوامل دیگری چون اقتصاد، تکنولوژی، نیروی انسانی، روحیه، انسجام ملی و ... را در قدرت ملی یک کشور نادیده گرفت. باید به این نکته توجه ویژه داشت که ارزیابی همه عوامل مذکور است که در مجموع معادله قدرت ملی بازیگران را به وجود می‌آورد. البته در سنجش قدرت ملی کشورها باید شرایط زمانی و مکانی آنها را نیز در نظر گرفت. با طرح چنین نقدهایی بر گزاره جبر جغرافیا توسط مارشال، نویسنده این سطور می‌خواهد این موضوع را بیان کند که اگرچه حقایق جغرافیایی همواره مورد توجه سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران سیاست خارجی است، اما این حقایق مطلقاً ثابت و دائمی نیست. به تعبیری می‌توان گفت که در دنیای امروز اسارت کشورها و سیاست‌های جهانی در چارچوب جبر جغرافیایی رنگ باخته و چهره‌ای جدید از مفهوم ژئوپلیتیک پیش روی کشورها قرار گرفته است. در جهان کنونی با تغییر فضای حاکم بر نظام بین‌الملل و نیز دگرگونی عناصر قدرت ملی، پویای صنعتی و اقتصادی، فناوری‌های جدید در حوزه‌هایی چون ارتباطات، رسانه، تبلیغات و ... به کشورهایی با موقعیت ناچیز ژئوپلیتیک همچون قطر، لیختن اشتاین، سنگاپور و ... کمک کرده تا حد زیادی از جبر جغرافیایی خود را رهایی بخشیده و قابلیت بازی در عرصه منطقه‌ای و جهانی بیابند. اگرچه اهمیت و نقش ژئوپلیتیک همواره مورد تأکید تحلیل‌گران و

نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل قرار گرفته و مفهومی تازه نیست، اما در سال‌های اخیر با توجه به پیشرفت‌های سریع و شگفت‌انگیز در زمینه فناوری و تکنولوژی تا اندازه‌ای به حاشیه رانده شده است. چنان‌که گلاس‌نر از جغرافیدانان سیاسی معتقد است که نقش و عملکرد مرزها و مسائل جغرافیایی به مرور زمان تغییر می‌کند و به عنوان نمونه امروزه تکنولوژی پیشرفته ارزش عملکرد تدافعی مرزها را کم کرده است (Glassner, 2004: 80). در نهایت، کتاب «در اسارت جغرافیا» علیرغم تأکید یکسویه‌ای که بر اهمیت ژئوپلیتیک و جبر جغرافیایی و تأثیرات آنها بر اهداف، اقدامات و تصمیم‌گیری رهبران سیاسی کشورها دارد، اثری مفید و شایان توجه است.

## ۵. نتیجه‌گیری

مسئله اصلی نوشتار حاضر نقد و بررسی کتاب «دراسارت جغرافیا، ده نقشه که همه آموختنی‌ها را درباره سیاست جهانی بیان می‌کند» است. با توجه به موضوع و دغدغه کتاب و حضور نویسنده به عنوان گزارشگر در مناطق بحرانی و جنگی جهان، اثر حاضر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایده اصلی نویسنده مبتنی بر این مسئله است که شرایط ویژه ژئوپلیتیک و محدودیت‌هایی که جغرافیای مناطق مختلف بر کشورهای جهان تحمیل کرده بر اهداف، سرنوشت و نوع تصمیم‌گیری‌های رهبران آنها تأثیر می‌گذارد. از نظر نویسنده علی‌رغم پیشرفت‌های گسترده‌ای که در قرن گذشته در زمینه تکنولوژی و فناوری صورت گرفته، جغرافیا همچنان به عنوان عاملی تأثیرگذار و مهم شناخته می‌شود. مارشال برای اثبات ایده اصلی کتاب، مناطق مهم و بحرانی فعلی و آینده جهان را در ده فصل مجزا مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. او سعی کرده در هر فصل با اشاره به مشکلات و دلایل وجود اختلاف رو درگیری عامل شرایط ژئوپلیتیکی را برجسته کند. اگر چه همان‌طور که در قسمت نقد و بررسی نوشتار حاضر اشاره شد او با تمرکز بیش از اندازه بر جبر جغرافیایی سرنوشتی محتوم برای کشورها در نظر گرفته و به سایر عوامل مانند پیشرفت‌های تکنولوژیک و تغییرات اقلیمی که منجر به تغییر محدودیت‌های جغرافیایی شده توجه چندانی نکرده اما نمی‌توان ارزش کار او را نادیده گرفت و بر اهمیت این کتاب به عنوان اثری ارزشمند توجه نکرد.

## پی‌نوشت

۱. این مقاله بر اساس شیوه‌نامه دوره قبل ارزیابی شده و پذیرش گرفته است و براساس شیوه‌نامه جدید لزوماً مورد قبول نیست.

## کتاب‌نامه

- اسکارت، سرجان (۱۳۹۹)، «مقدمه»، در کتاب: *در اسارت جغرافیا: ده نقشه که همه آموختنی‌ها را درباره سیاست جهانی بیان می‌کند*، ترجمه مرجان رضایی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۹.
- احمدپور، زهرا و لشکری تفرشی، احسان (۱۳۸۹)، *ژئوپولیتیک دریای خزر*، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- احمد دوست، محمد رضا (۱۳۹۹)، «ایران؛ استقلال استراتژیک یا تنهایی استراتژیک؟»، *دیپلماسی ایرانی*، دی ماه ۱۳۹۹.
- تامپسون، مل (۱۳۹۸)، *فهم فلسفه سیاسی در بستر زندگی اجتماعی*، ترجمه نرگس تاجیک نشاطیه، تهران: روزگار نو.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۴۰۰)، «اصول مکتب ژئوپولیتیک انسانگرا»، *فصلنامه ژئوپولیتیک*، سال هفدهم، شماره ۱.
- دوئرتی، جیمز و فالترزگراف، رابرت (1372) *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: انتشارات قومس.
- سلیمی، حسین (۱۳۸۴)، *نظریه‌های گوناگون درباره جهانی شدن*، تهران: سمت.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۴)، *جهانی شدن و جهان سوم*، تهران: وزارت امور خارجه.
- کلوسکو، جورج (۱۳۹۱)، *تاریخ فلسفه سیاسی*، جلد سوم، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: نی.
- مارشال، تیم (۱۳۹۹)، *در اسارت جغرافیا: ده نقشه که همه آموختنی‌ها را درباره سیاست جهانی بیان می‌کند*، ترجمه مرجان رضایی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۹۹.

Glassner, M. & Fahrer, C. (2004); Political Geography; USA: John Wiley and Sons.

Mesbahi, Mohiaddin, Free and Confined: Iran and the International System. (2011). Iranian Review of Foreign Affairs, 5 (2): 9-34.

Nalbandov, Robert, (2016). Not by Bread Alone: Russian Foreign Policy Under Putin. Dulles, TX: Potomac Books.

Wohlforth, W., B. De Carvalho, H. Leira and I. Neumann (2017), "Moral Authority and Status in International Relations: Good States and the Social Dimension of Status Seeking", *Review of International Studies*, Vol. 44, Issue 3, pp. 526-546.

